



مطالعه گفتمان قرآن از دیدگاه براون و لوینسون و بررسی آن در ساختار مساجد اسلامی

علیرضا رئیس‌زاده^۱، گودرز شکیبایی^۲، کامران مهرگان^۳

^۱دانشجوی دکتری، گروه زبان انگلیسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. alireza2951@gmail.com

^۲(نویسنده مسئول) گروه زبان انگلیسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Shakibaeienglish@gmail.com

^۳گروه زبان انگلیسی، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران. kamran.mehrgan@iau.ac.ir

چکیده

قرآن به‌عنوان یک گفتمان اجتماعی و مذهبی سرشار از تعاملات شخصیت‌های مختلف است. در طی تعاملات قرآنی اختلاف‌نظرهایی رخ می‌دهد که تاکنون از نظر ادب بندرت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابراین، مطالعه کیفی-توصیفی کنونی با هدف بررسی ادب اختلاف‌نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون انجام شده است. تمام سوره‌های قرآن در دو زبان فارسی و عربی به‌طور مقایسه‌ای بررسی تا نوع اختلافات و سپس نوع ادب به‌کار رفته در آن‌ها مشخص شود. در کل قرآن ۲۵۶ آیه حاوی اختلاف‌نظرها یافت شد. پس از جدول‌بندی، آن‌ها براساس مدل فوق تحلیل ادبی شدند. تجزیه و تحلیل جدول آیات نشان داد که از مجموع ۲۵۶ اختلاف‌نظر در آیات قرآن، ۲۵۵ مورد (۹۹٪) شامل ادب منفی و یک مورد (۰.۳۹ درصد) شامل ادب مثبت بودند. از ده استراتژی ادب منفی، همه آن‌ها به‌جز «بیان عمل تهدیدآمیز و وجهه به‌عنوان یک قاعده کلی» و «عذرخواهی» به وقوع پیوستند. بیشترین استراتژی ادب منفی «بدبینی» بود که ۹۸ بار (۳۸٪/۴۳)، «سؤال پرسیدن و مصون‌سازی» ۶۳ بار (۳۸.۴۳٪) و «به حداقل رساندن تحمیل تهدید و وجهه» ۲۹ بار (۱۱.۳۷٪) رخ داده‌اند. تنها نشانگر ادب مثبت در اختلافات قرآن «استفاده از نشانگرهای هویت درون‌گروهی» با ۱ مورد بروز (۰.۳۹٪) بود. راجع به اصطلاحات یا مقوله‌های نشانگر اختلاف‌نظر، «سؤال پرسیدن» با ۶۳ (۲۴.۶۰٪) اختلاف‌نظر، «استدلال کردن» با ۳۶ (۱۴.۴٪) اختلاف‌نظر و «ابراز تردید» با ۲۸ (۱۰.۳۹٪) اختلاف‌نظر رخ دادند. این مطالعه برای زبان‌شناسان، تحلیل‌گران گفتمان و محققان ترجمه تأثیراتی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ادب اختلاف‌نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون.
۲. بررسی وجود مخالفت‌های گوناگون در قرآن کریم براساس نظریه ادب.

سؤالات پژوهش:

۱. بررسی ادب اختلاف‌نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون چگونه می‌باشد؟
۲. گفتمان قرآن کریم چگونه در ساختار مساجد اسلامی منعکس شده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۲۵۴ الی ۲۸۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

زبان‌شناسی شناختی، نظریه ادب، قرآن، وجهه ادب منفی، وجهه ادب مثبت.

ارجاع به این مقاله

رئیس زاده، علیرضا، شکیبایی، گودرز، مهرگان، کامران. (۱۴۰۲). مطالعه گفتمان قرآن از دیدگاه براون و لوینسون و بررسی آن در ساختار مساجد اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۰)، ۲۵۴-۲۸۱.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.50.223](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.50.223)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.50.223](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.50.223)

مقدمه

قرآن کریم یک نوع گفتمان در کنار گونه‌های مختلف گفتمانی رایج به حساب می‌آید (عباس، ۲۰۲۰ ق؛ محمودی و منشی، ۲۰۱۹ ق). همان‌طور که در گفتمان‌های رسمی و ادبی مطرح در جامعه، هنجارهای رفتاری و ادبی مورد توجه قرار می‌گیرند، قرآن کریم نیز، به‌عنوان یک گفتمان مذهبی، دارای سبک ویژه است که متضمن چارچوب‌ها، قواعد و اصول رفتاری هست (محمود، ۲۰۱۹ ق؛ حسن، ۲۰۱۶ ق). در قرآن که تعداد وسیعی شخصیت‌ها به تعامل می‌پردازند، حفظ وجهه آن‌ها ارزشمند است (برهانی‌نژاد، رستمی نسب، علوی و سیف‌الدینی، ۲۰۱۹ ق). در قرآن شخصیت‌هایی چون پیامبران، کافران، مسلمانان و خداوند به تعامل می‌پردازند در این تعامل‌ها، گاهی شخصیت‌ها به بیان خصوصیات منفی و مثبت همدیگر می‌پردازند و گاهی از همدیگر تمجید می‌کنند بیشتر اینکه، نمونه‌هایی از ترغیب، تهدید، فرافکنی و خصومت نیز به چشم می‌خورد (میلر، ۲۰۰۸ ق). در همه این تعاملات، از منظر زبانشناسی، ممکن است وجهه شخصیت‌ها تهدید یا تقویت شود. چنین مؤلفه‌هایی در نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷ ق) پیش‌بینی شده‌اند. آن‌ها چنین پیشنهاد کردند که همه افراد بالغ و توانمند به‌عنوان شرکت‌کننده در گفتمان‌ها دارای وجهه هستند که ممکن است منفی یا مثبت باشد (ردموند، ۲۰۱۵ ق). بر اساس آنچه آن‌ها خودشان گفته‌اند، واژه وجهه که اولین بار توسط گوفمن (۱۹۶۷ ق) خلق شده است با حالاتی چون احساس شرمندگی، تحقیر و مقبولیت مرتبط می‌باشد (همراکلووا، ۲۰۲۰ ق). براساس موقعیت‌ها و نیازها، وجهه می‌تواند نگه‌داشته شود، کاهش یابد و یا افزایش داده شود (ونگر، ۲۰۰۴ ق). طبق آنچه ردموند ادعا کرده است، برای ادامه تعامل در هر سطحی، وجهه بایستی مورد توجه طرفین گفتمان قرار گیرد. این تفکر، معادل نظریه همکاری گفتمانی گرایس (۱۹۷۵ ق) است که در آن چنین ادعا می‌شود که طرفین گفتمان بایستی باهم همکاری کنند. در آنجا چنین ادعا شد که نقض اصول همکاری باعث قطع گفتمان می‌شود و در نظریه براون گفته می‌شود که وجهه افراد تهدید می‌شود (ژائو، ۲۰۲۱ ق). طبق آنچه خود براون و لوینسون گفته‌اند، مفهوم وجهه یک مقوله جهانی است ولی دریافت و عکس‌العمل به آن در فرهنگ‌های مختلف فرق دارد (هوانگ، ۲۰۰۸ ق).

از دیدگاه مخاطب‌شناسی، در نظریه فوق، مخاطبین هستند که همه فراز و نشیب‌ها، لذات و خطاب‌های گفتمان را تجربه یا تحمل می‌کنند. بسته به جایگاه نویسنده و گوینده در گفتمان‌های نوشتاری و گفتاری، نوع تجربه مخاطب تغییر می‌کند. این نوع تجربه مخاطب که در اینجا خواننده یا شنونده است با توجه به فاصله بین طرفین نیز تغییر پیدا می‌کند (گپ تا واکا و رومانی، ۲۰۰۷ ق). آن‌ها همچنین باور دارند گاهی اوقات، بدخواهی یا خیرخواهی گوینده یا نویسنده پیام مشخص است. این نوع برداشت نیز بسته به دانش مخاطب یا پیش‌زمینه خود متغیر است. بیشتر، آن‌ها معتقدند بر طبق فاصله، جایگاه و دانش زمینه، براون و لوینسون دو نوع وجهه مثبت و منفی را توسعه داده‌اند. گپ تا و همکاران می‌گویند که تعلق گروهی، صمیمیت و دوست داشتن بر میزان تأثیر گفتمان منفی و مثبت بر مخاطب مؤثر هستند. براساس آنچه، شیخ و احمد (۲۰۲۰ ق) گفته‌اند، میزان تهدید اجزا گفتمان در گفتمان‌های نوشتاری و گفتاری متفاوت است. در گفتمان گفتاری، مخاطب و گوینده فرصت و توانایی درخواست اصلاح یا واکنش را دارند.

آن‌ها می‌توانند بلافاصله به گوینده بفهمانند که کلمه یا عبارت خاص مناسب نیست و لازم است اصلاح شود. این درواقع مخالفت یکی از طرفین با نوع و محتوی گفتمان است. آن‌ها رو در روی هم قرار می‌گیرند و این نوع عملیات از خصوصیات جالب گفتار است. در گفتمان نوشتاری که نویسنده یا ارسال‌کننده پیام با مخاطب که همان شنونده یا خواننده است دارای فاصله جغرافیایی است امکان مخالفت برای اصلاح، رد و تغییر نوع عمل تهدیدکننده یا غیرتهدیدکننده وجود ندارد (اورتمن و دیپر، ۲۰۱۹ ق).

براون (۲۰۱۵ ق) باور دارد که آنچه به‌عنوان ادب از گفتمان برداشت می‌شود، در حقیقت، عوامل زبان‌شناختی هستند که به‌طور صریح همان عوامل تشکیل‌دهنده متن هستند که با نشستن در کنار همدیگر و با ایجاد انسجام تشکیل یک گفتمان واحد را می‌دهند. در همه گفتمان‌ها همین عناصر متنی قابل تفسیر در کاربردشناسی (Pragmatics) هستند که وجهه‌ای را تهدید و یا تقویت می‌کنند. مثلاً واژه «تو» به‌جای «شما» در یک گفتگو یا پاراگراف ممکن است به وجهه خواننده یا شنونده آسیب می‌زند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، قرآن کریم نیز به‌مثابه بقیه گفتمان‌ها خصوصیات زبان‌شناختی مشابهی دارد که در آن شخصیت‌های متعدد با استفاده از زبان قرآنی به بیان دیدگاه‌ها، عقاید و رسوم خود می‌پردازند که آن‌ها در چارچوب نظریه ادب قابل‌بررسی است (چانگ و هاوف، ۲۰۱۱ ق).

براساس آنچه الخطیب (۲۰۱۲ ق) نوشته است در قرآن کریم سوره‌ها و آیاتی وجود دارد که دو نوع رابطه از آن‌ها قابل‌استخراج است: رابطه انسان و خداوند و رابطه انسان و انسان یعنی رابطه بین فردی. او نشان داد که انتقال معنی ادبی در بافت مذهبی قابل انجام است. دهقان نیری، سلطانی و مقدسی نیا (۱۳۹۷ ق) نشان داده‌اند که یکی از ابعاد مهم گفت‌وگوهای قرآنی، اجرای آداب ادب و ورزی و سرباز زدن از آن است که از روابط قدرت حاکم بر شرکت‌کنندگان در گفت‌وگوهای مدنظر سرچشمه می‌گیرد. از مواردی که آن‌ها اشاره کردند موضوع گفت‌وگوی میان خداوند و حضرت موسی است. به‌علاوه، آن‌ها باور داشتند که قرآن مبتنی بر گفتگو است و انواع دیالوگ‌ها بین خدا و پیامبر، خدا و فرشتگان، خدا و حاکمان، انبیا و مردم، پیامبران و فرشتگان، حاکمان و مردم صورت گرفته است؛ این نشان‌دهنده این است که در هر گفتمانی که سرشار از روابط اجتماعی است، جریان ادب و ادب‌ورزی نیز حاکم و بارز است. در همه این گفتمان‌ها، هر یک از طرفین به‌نوعی ممکن است مخالفت خود را با پیامی ابراز کرده باشد. این قسم مخالفت‌ها در قرآن کریم جای تفسیر معناشناختی دارند. مخالفت را می‌توان به‌عنوان بیان دیدگاهی تعریف کرد که از آنچه توسط گوینده دیگر بیان شده است متفاوت باشد. باین‌حال، در ادبیات مربوطه، مخالفت‌ها بیشتر به‌عنوان یک رویارویی تلقی می‌شوند و بنابراین باید از این طریق کاهش یا جلوگیری شوند (سیفیانو، ۲۰۱۲ ق). او اضافه می‌کند که اختلاف‌نظر حمل بر عدم تحمل‌پذیری است و در مقابل اختلاف‌نظر فقط به معنای منفی دیده نمی‌شود، یعنی ممکن است لزوماً منجر به درگیری و بی‌حرکی نشود، بلکه می‌تواند نشانه صمیمیت و جامعه‌پذیری باشد و ممکن است ناپود نشود بلکه باعث تقویت روابط متقابل شود.

براساس آنچه انگوری و لوچر (۲۰۱۲ ق) می‌گویند گفت‌وگوی حل مسئله (Problem solving talk) با اختلاف همراه بوده است زیرا هم صحبت‌ها مخالف نظرات یکدیگر هستند و نظرات متنوعی را بیان می‌کنند. مخالفت یک مهارت مهم اجتماعی-عملی است و که افراد در صورت عدم رعایت هنجارهای موجود ممکن است باعث رنجش یا تهدید (Threat) شوند (مارا، ۲۰۱۲ ق). مقوله ادب در هر گفتمانی از آن جهت که ممکن است به رعایت یا عدم رعایت ادب ختم شود وابسته به جایگاه شرکت‌کنندگان یا طرفین درگیر گفتمان هست. بوسفیلد (۲۰۰۸ ق) باور داشت که عدم رعایت ادب با توجه به جایگاه قدرتی، حقوق و نقش‌ها فرق می‌کند. در این جایگاه‌ها هر کدام از طرفین برای پیشبرد و تحکیم ادعا یا نظر خود راه کارهای مختلفی در پیش می‌گیرند. در قرآن نیز چنین وضعیتی صادق است.

همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، قرآن از جمله گفتمان‌هایی است که موضوعات مختلفی در آن جریان دارد. این موضوعات به‌طور مختصر شامل گفت‌وگوی خداوند و کفار، کفار و خداوند، پیامبر و خداوند، خداوند و کائنات، مردم و خودشان و انسان‌ها و حیوانات می‌باشند. این گفت‌وگوها به‌طور گروهی، دوبه‌دو و گاهی یک‌طرفه صورت می‌گیرند. در هر کدام از این گفت‌وگوها، نوع گفت‌وگو، جایگاه افراد، نقش اجتماعی آن‌ها، میزان نزدیکی به همدیگر و همچنین ساختار روابط آن‌ها در پیشبرد یا ناکامی گفتگو مؤثر هستند. در هر کدام از این گفتگوها طرفین سعی می‌کنند همدیگر را قانع، تهدید، تسلیم و ترغیب کنند و گاهی نیز به مخالفت (Disagreement) بپردازند. از آنجاکه مخالفت‌های قرآن ممکن است نشانگر مناقشه، تهدید، فریب، خیرخواهی، نپذیرفتن، ناتوانی و فاصله باشند، وجهه افراد از نظر ادبی می‌تواند تهدید شود و این قابلیت بررسی ادبی دارد. این جنبه از قرآن یعنی وجود مخالفت‌های گوناگون، تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و جنبه تهدید وجهه آن‌ها نیز مشخص نیست. به همین دلیل این به‌عنوان یک شکاف در ادبیات زبان‌شناختی قرآن در نظر گرفته شد و از منظر سیستم ادب براون و لوینسون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ادب و وجهه

ادب از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان زیادی واقع شده است. از آنجاکه ادب با توجه به گفتمان‌ها قابل بررسی است، گفتمان‌های مختلفی وجود دارد که روزانه جنبه‌هایی از آن‌ها آشکار می‌شود و ارزش بررسی پیدا می‌کنند. میسرا (۲۰۲۰ ق) باور دارد که ادب یک ویژگی محتاطانه، منطقی و مصلحت‌مند ارتباط کلامی تعریف می‌شود. این یعنی اینکه در ارتباطات کلامی افراد لازم است محتاط باشند و مصلحت‌سنجی کنند. فرانسویس (۲۰۲۰ ق) استدلال می‌کند که ادب در یک محیط تعاملی به‌عنوان ابزاری برای نشان دادن آگاهی از وجهه شخص دیگری استفاده می‌شود و در سطح ارتباطات فردی یا گروهی، ادب می‌تواند اساساً در شرایط فاصله اجتماعی که گوینده و گیرنده در آن قرار می‌گیرند، محقق شود. فرانسویس معتقد است که ادب جنبه فرهنگی دارد و از فرهنگی به فرهنگ دیگری فرق می‌کند. بیشتر اینکه پرامستی (۲۰۲۰ ق) ادب را جنبه‌ای از همکاری کلامی می‌داند که در تعامل کلامی افراد باهم همکاری می‌کنند تا پیام به‌درستی منتقل شود و در غیر آن، عدم رعایت ادب پیش می‌آید. از طرف دیگر تا آنجا که به بی‌ادبی مربوط است و بی‌ادبی عامل تهدید وجهه است، بوسفیلد (۲۰۰۸ ق) پیشنهاد کرد که بی‌ادبی به‌منزله

برقراری ارتباط کلامی عمدی، بی‌ملاحظه و تعارضی است که به‌طور هدفمند انجام می‌شود. از آنچه بوسفیلد گفته است چنین برداشت می‌شود که رفتار کلامی بی‌ادبانه که با بی‌ملاحظگی و مغرضانه صورت می‌گیرد، متضمن تهدید وجهه است. وجهه طبق آنچه اصلاً براون و لوینسون (۱۹۸۷ ق) گفته‌اند، به‌عنوان تصویر عمومی و مثبت از شخصیت و هویت خود فرد تعبیر می‌شود که نیازمند این است که همیشه حفظ و درک شود. پس وجهه با رعایت ادب، حفظ و درک می‌شود و با عدم رعایت ادب و همکاری در گفتمان تهدید می‌شود.

۲. نظریه ادب براون و لوینسون

ادب و راه‌کارهای ادبی از اصول کاربردشناسی هستند (کدار و هاوس، ۲۰۲۱ ق). همواره محققان به‌دنبال آن بوده‌اند که هم نشان دهند زبان چه کاربردهایی دارد و اصولی را معرفی کنند تا افراد به‌درستی زبان همدیگر را درک کنند و سوءتفاهم و بی‌ادبی‌ای صورت نگیرد. اقدامات زیادی در این حوزه صورت گرفته است (کین، ۲۰۱۱ ق). از میان آن‌ها، نظریه ارتباط گرایس و اصول همکاری او زیربنای بسیاری از مطالعات و نظریات شده‌اند. نظریه ادب براون و لوینسون به‌دنبال معرفی اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵ ق) وارد عرصه مطالعات زبان شد. نظریه براون و لوینسون عمدتاً بر روی ادب متمرکز می‌شود که تا حدی اصول ارتباط گرایس در آن مشهود هستند. این نظریه، در اصل، با الهام از نظریه گرایس و تکیه بر مفهوم وجهه گوفمن (۱۹۷۶ ق) بنا شد. گوفمن معتقد بود که وجهه هر شخص به مفاهیمی چون شرم، تحقیر و ناراحت شدن گره می‌خورد. در نظریه براون و لوینسون همین مفهوم در پیش‌گرفته شد و به یک نظریه گسترده تبدیل شد. در نظریه آن‌ها چنین آمده است که هر شخص دو گونه وجهه دارد: مثبت و منفی. آن‌ها وجهه مثبت را به‌عنوان درک نیازهای فرد در تعامل اجتماعی و چهره منفی به‌عنوان تمایل فرد به آزادی عمل و آزادی از تحمیل تعریف می‌کنند (ویلکی، ۲۰۰۶ ق). این تئوری بر این بنا استوار است که بیشتر کنش‌های گفتاری مانند درخواست‌ها، پیشنهادها و تعارفات ذاتاً تهدیدکننده وجهه مخاطب هستند و اینجا ادب است که در مقام جبران این اقدامات تهدیدآمیز دخالت می‌کند (ویلکی، ۲۰۰۶ ق). بر طبق آنچه ویلکی تفسیر کرده است، سه استراتژی اصلی برای انجام اعمال گفتاری متمایز شده است: ادب مثبت، ادب منفی و ادب نامتعارف. هدف از ادب مثبت حمایت یا تقویت چهره مثبت مخاطب است؛ در حالی که ادب منفی با هدف نرم کردن اقدام تجاوز به آزادی عمل مخاطب انجام می‌شود. استراتژی سوم، ادب نامتعارف، به معنای فاش کردن یکی از ماجراهای گرایس (۱۹۷۵ ق) بر این فرض است که مخاطب قادر است مفهوم موردنظر را استنباط کند. در سطح عمومی‌تر، مدل اصول همکاری گرایس یکی از ساختمان‌های نظریه براون و لوینسون است. نوع و میزان ادبی که گوینده در مورد یک عمل گفتاری خاص اعمال می‌کند، با وزن این عمل گفتاری مشخص می‌شود. گوینده‌ها وزن گفتارشان را بر اساس سه متغیر اجتماعی محاسبه می‌کنند: فاصله اجتماعی بین شنونده و گوینده، اختلاف قدرت بین آن‌ها و رتبه‌بندی فرهنگی عمل گفتاری. حالت دوم به درجه‌ای از تهدید اشاره می‌کند که عمل تهدیدکننده وجهه در یک فرهنگ خاص درک می‌شود (صادوقلی و نیرومند، ۲۰۱۶ ق). این دو نظریه‌پرداز برای محاسبه اعمال ادب منفی مثبت و منفی در گفتمان‌ها بیست راهکار مؤدبانه مثبت و منفی پیشنهاد داده‌اند که در زیر آورده می‌شوند:

- معمولاً غیرمستقیم باشید؛
- سؤال بپرسید یا از عبارات ملایم استفاده کنید؛
- بدبین باشید؛
- تحمیل را به حداقل برسانید؛
- احترام کنید؛
- عذرخواهی کنید؛
- از ضمایر غیرشخصی من و ما استفاده کنید؛
- FTA را به‌عنوان یک قاعده کلی بیان کنید؛
- مبتداسازی کنید (۱۹۸۷ ق، ۱۳۱).
- راهبردهای مؤدبانه مثبت معرفی شده توسط براون و لوینسون نیز به در پایین آورده می‌شوند:
- به مخاطب توجه و او را دریابید؛
- اغراق کنید؛
- به مخاطب علاقه نشان دهید؛
- از نشان‌گرهای هویت درون‌گروهی استفاده کنید؛
- به‌دنبال توافق باشید؛
- از اختلاف‌نظر بپرهیزید؛
- به‌دنبال ایجاد و افزایش مشترکات باشید؛
- شوخی کنید؛
- پیشنهاد و قول دهید؛
- خوش‌بین باشید.

۳. نظریه ادب هاف

ادب غالباً به‌عنوان ارزیابی شنونده از رفتار گوینده در تحقیقات گفتمان ادب در نظر گرفته می‌شود (هاف، ۲۰۱۳ ق). بیشتر، هاف استدلال می‌کند که ارزشیابی ادب به‌طور نزدیکی با دستاوردهای متقابل اقدامات اجتماعی و معانی عملی در مقابل نظم اخلاقی مرتبط است و بنابراین ارزیابی ادب می‌تواند درنهایت به‌عنوان شکلی از عمل اجتماعی درک شود. در ادامه، هاف با جرأت می‌گوید که در عمل روزمره رفتار مؤدبانه اتفاق می‌افتد اما نه‌چندان وقتی که گوینده رفتار ایجاد می‌کند بلکه شنونده آن رفتار را ارزیابی می‌کند. ذات ادب در این لحظه ارزشیابی نهفته است. ارزیابی همیشه حاکم است؛ یعنی اینکه آیا گوینده خودش را ارزیابی می‌کند، شنونده او را ارزیابی می‌کند یا افرادی که غیرازاین دو

گروه هستند آن‌ها را ارزیابی می‌کنند. باین‌حال، ارزیابی ثابت می‌کند خود آن تنها روشی است که می‌توان ادب را مطالعه کرد. بر اساس آنچه هاف اعتقاد دارد، ارزیابی یک مقوله منظور شناختی است. الن (۲۰۰۱ ق، به نقل از هاف، ۲۰۱۳ ق) ادعا می‌کند که ارزیابی ادب اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین جنبه ادب است. هاف پیشنهاد کرده است که ارزیابی ادب شرکت‌کنندگان از طریق اقدامات اجتماعی خاص و معانی عمل‌گرایانه انجام می‌شود که به نظر می‌رسد افراد و روابط را ارزیابی می‌کنند. به‌طور خاص، ارزیابی اشخاص و روابط آن‌ها که از طریق معانی عمل‌گرایانه اجتماعی حاصل شده است می‌تواند گاه‌به‌گاه ارزیابی‌های این ارزیابی‌ها را به‌عنوان مؤدبانه، نامودبانه غیرمذهبی و غیره انجام دهد. هاف (۲۰۱۳ ق) چارچوبی سه‌جانبه را برای تجزیه‌وتحلیل ادب پیشنهاد کرده است که شامل «ادب ابرازی»، «ادب طبقه‌بندی» و «ادب عمل‌فراگرا» است. ادب ابرازی به ادب رمزگذاری شده در بیانی اشاره دارد که منعکس‌کننده نیت مؤدبانه گوینده می‌باشد و ممکن است به شکل اصطلاحات خاص خطابی، شاخص‌ها و عبارات فرمولی مانند متشکر و ببخشید ظاهر شود. ادب طبقه‌بندی‌شده به ادب به‌عنوان یک ابزار مقوله‌ای اشاره می‌کند. آن شامل قضاوت‌های شنونده از رفتار مؤدبانه و نامودبانه دیگر افراد است. ادب فراعلم‌گرایی به نحوه صحبت کردن مردم درباره ادب به‌عنوان یک مقوله معمولی و درک مردم از ادب در موقعیت‌های مختلف تعاملی اشاره دارد.

۴. نظریه ادب لیچ

براساس آنچه جیواد، قبانچی و غضنفری (۲۰۲۰ ق) نوشته‌اند، رویکرد لیچ (۱۹۸۳ ق) به ادب نیز مبتنی بر اصول گریس است. کار او ادب را در چارچوب وسیع‌تری از گفتارهای بین فردی قرار می‌دهد که به اهداف اجتماعی و نه اهداف غیرمنطقی گره خورده است. در حوزه لغاظی‌های بین فردی، لیچ (۱۹۸۳ ق) سه گروه از اصول را پیدا می‌کند که با سه اصل همراه است: (۱) اصل همکاری، (۲) اصل ادب و (۳) اصل کنایه. در مرحله بعد، اصل همکاری لیچ مبتنی بر و مطابقت با گرایس است. وی اظهار می‌دارد که کارکرد کلی اصل ادب این است که «به حداقل رساندن بیان عقیده غیرمذهبی» به حداقل برسد. بعداً لیچ شش اصل مرتبط با اصل ادب را محدود می‌کند که برای توضیح رابطه احساس و قدرت در مکالمات روزانه استفاده می‌شوند.

۵. نظریه ادب کالپر

کالپر (۲۰۰۵ ق) می‌گوید بی‌ادبی هنگامی به‌وجود می‌آید که: (۱) گوینده به‌صورت عمدی تهدید وجهه را اعمال کند، یا (۲) شنونده این رفتار را عمدی به‌عنوان تهدید وجهه در نظر بگیرد و (۳) یا ترکیبی از هر دو. کالپر از تئوری براون و لونیسون (۱۹۸۷ ق) به‌عنوان پایه‌ای برای نظریه بی‌ادبی خود استفاده کرد. طبق گفته کالپر (۱۹۹۶ ق)، گوینده همیشه نمی‌خواهد از وجهه شنونده محافظت کند بلکه می‌خواهد به وجهه او حمله کند. از دیدگاه کالپر، رویکرد گفتمانی برخلاف رویکرد سنتی، که پدیده ادب و بی‌ادبی را ذاتی زبانی می‌داند، آن را امری پویا در نظر می‌گیرد و بر درک فرد از بافت و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌ورزد. کالپر بر آن بود که نظریه‌های ادب ورزی اغلب بر راهبردهای ارتباطی تأکید دارد که افراد با کاربست آن‌ها به‌دنبال حفظ یا ارتقای هارمونی اجتماعی خود در تعامل خویش با

دیگران‌اند (دهقان نیری، سلطانی و مقدسی‌نیا، ۱۳۹۷ ش). کالپیر (۲۰۰۱ ق) در نظریه گفتمان خود، راه‌کارهای مختلف بی‌ادبی را براساس وجهه اجتماعی طبقه‌بندی و به ارتباط این مفاهیم اشاره کرده است. وی در این رویکرد به پنج الگوی بی‌ادبی کلامی اشاره کرده است که عبارت‌اند از سه نوع وجهه فردی، رابطه‌ای، اجتماعی و دو نوع حقوق اجتماعی تساوی و وابستگی.

۶. مخالفت

بر طبق سریل (۱۹۶۸ ق)، کنش‌های غیر بیانی برای اینکه مؤثر واقع شوند باید شرایطی بین گوینده و شنونده ایجاد شود. با بیان شرایط لازم و کافی برای یک عمل گفتاری که اتفاق بیافتد، آن باید ممکن باشد که مجموعه‌ای از قوانین را استخراج کرد که نشان داد یک عمل گفتاری چیست. برای اعمال گفتاری مانند درخواست‌ها و دستورات و وعده‌ها، بایستی شرایط مقتضی پیش بیایند. عمل مخالفت یک عمل گفتاری شبیه به درخواست یا دستور در نظریه سریل نیست؛ زیرا برای اینکه مخالفت اتفاق بیافتد، بایستی از قبل گفتگوی زمینه فوری بین گوینده و شنونده اتفاق افتاده باشد. ریس میلر (۱۹۹۵ ق) ادعا می‌کند که مخالفت زمانی اتفاق می‌افتد که یک گوینده عمل گفتاری انجام‌شده به‌وسیله شخص دیگری را نادرست می‌پندارد. باورساده، اسلامی راسخ و سیمین (۲۰۱۵ ق) می‌گویند که مخالفت یک رفتار کلامی تهدیدآمیز در نظر گرفته می‌شود که در آن افراد می‌توانند نارضایتی یا مخالفت خود را نشان دهند؛ بنابراین، استفاده از استراتژی ادب برای حفظ چهره بسیار مهم است. لیو (۲۰۰۴ ق) باور دارد که مخالفت نتیجه احساس عمل تهدیدآمیز به وجهه یک شخص است. قرآن کریم، به‌عنوان منبع داده‌های این تحقیق، سرشار از مخالفت‌های ادبی است چون در آن مشاجرات و تبادلات زیادی روی داده است.

۷. روش تحقیق

مطالعه حاضر از چندین طرح تحقیقی بهره می‌برد. از آنجاکه تحقیق بر روی قرآن انجام می‌شود، قرآن به‌عنوان پیکره محسوب می‌شود، بنابراین تحقیق پیکره مبنی (corpus-based) خواهد بود. به‌علاوه، چون در این تحقیق هدف بررسی راه‌کارهای ادب در این پیکره است، روش تحلیل راه‌کارهای توصیفی به‌حساب می‌آید. در ادامه، به دلیل اینکه پیکره مورد تحقیق نوعی محتوی به‌شمار می‌آید، چنین برداشت می‌شود که از روش تحلیل محتوی نیز استفاده می‌شود. خیلی مهم‌تر، چون هر راه‌کار ادب منفی و مثبت در بررسی مخالفت بایستی به فراوانی تبدیل شود، می‌توان گفت که تحقیق از مقیاس‌های تحقیق کمی نیز سود می‌برد. در همین راستا، به‌موازات تحقیق کمی، این تحقیق کیفی نیز خواهد بود، اگرچه در روش‌های کیفی تغییرات زیادی وجود دارد، اما بین آن‌ها شباهت‌هایی وجود دارد. دلیل اصلی انجام هر تحقیق کیفی، به‌دست آوردن درک کاملی دقیق از یک موضوع، موضوع یا معنی خاص بر اساس تجربه دست‌اول است. این امر با داشتن یک‌پایه نمونه نسبتاً کوچک اما متمرکز حاصل می‌شود زیرا جمع‌آوری داده‌ها می‌تواند وقت‌گیر باشد. به دلیل استفاده از هر دو نوع تحقیق کمی و کیفی، می‌توان گفت که این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی

(Mixed method research) بهره می‌برد؛ یعنی مقیاس‌هایی از هر دو روش مورد استفاده واقع می‌شود. باین حال، روش‌های یادشده در سایه تحلیل قرآن به ترتیب شرح داده می‌شوند.

در همین بخش گفته شد که این تحقیق به‌نوعی توصیفی خواهد بود. با این وضعیت، لازم است که توصیفی بودن تحقیق را شرح دهیم. در حقیقت ماهیت تحقیق توصیفی این است که محقق به توصیف خصوصیات پدیده‌ها می‌پردازد. این نوع تحقیق الزاماً کیفی یا کمی نیست، بلکه از مقیاس‌های هر دو بهره می‌گیرد. تحقیقات توصیفی عمدتاً به دنبال جوابی برای «این یا آن چیست» می‌گردند. عملکرد توصیفی تحقیق به‌شدت به ابزار دقیق برای اندازه‌گیری و مشاهده بستگی دارد (بورگ و گال، ۱۹۸۹ ق). بیشتر اینکه توصیف متغیرها از طریق طرح‌های توصیفی منجر به تفسیر معنای نظری یافته‌ها و توسعه فرضیه می‌شوند. از آنجاکه این تحقیق در حوزه زبان‌شناسی اتفاق می‌افتد، زبان‌شناسی توصیفی عنوان مناسبی برای توصیف مسائل زبان‌شناسی است. در مطالعه زبان، زبان‌شناسی توصیفی، کار تجزیه و تحلیل عینی و توصیف نحوه استفاده از زبان را در یک جامعه گفتاری برعهده دارد. با این اوصاف، در تحقیق فعلی، محقق تلاش می‌کند تا عبارات‌های مخالفی موجود در قرآن را از منظر نظریه ادب توصیف کند؛ این یعنی اینکه خصوصیات آن‌ها را از طریق نوع راه‌کار نهفته در آن‌ها بررسی نشان دهد.

روش دیگر مورد استفاده در پژوهش، تحلیل محتوا است. طبق گفته بایرن (۲۰۱۱ ق)، تجزیه و تحلیل محتوا یک روش تحقیق برای مطالعه اسناد و مصنوعات ارتباطی است که ممکن است متونی با قالب، تصویر، صدا یا فیلم‌های مختلف باشد. دانشمندان علوم اجتماعی از تجزیه و تحلیل محتوا برای بررسی الگوهای ارتباط به‌صورت تکراری و منظم استفاده می‌کنند. برخلاف شبیه‌سازی تجربیات اجتماعی یا جمع‌آوری پاسخ‌های پیمایشی، یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل پدیده‌های است. البته در زمینه ترجمه و تبعیت از زبان، تحلیل محتوا کمی متفاوت است. تجزیه و تحلیل محتوا یک ابزار تحقیق است که برای تعیین حضور برخی از کلمات، مضامین یا مفاهیم در برخی داده‌های کیفی داده‌شده (به‌عنوان مثال، متن) استفاده می‌شود. محققان با استفاده از تحلیل محتوا می‌توانند حضور، معنی و روابط کلمات، مضامین و مفاهیم را تعیین کنند. منابع داده می‌توانند مصاحبه، سؤالات باز، یادداشت‌های تحقیق میدانی، مکالمات، یا به معنای واقعی کلمه هر رویداد زبان ارتباطی (به‌عنوان مثال، کتاب، مقاله، بحث، عناوین روزنامه، سخنرانی، رسانه، اسناد تاریخی) باشند. یک مطالعه واحد ممکن است اشکال مختلف متن تجزیه و تحلیل کند.

از آنجاکه داده‌های این تحقیق عدد نیستند بلکه مجموعه‌ای از عبارات و مضامین گفتمانی هستند، در مرحله اول بنای تحقیق بر نوع تحقیق کیفی گذاشته می‌شود. تحقیقات کیفی در درجه اول تحقیقات اکتشافی هستند. آن‌ها برای به‌دست آوردن درک درستی از دلایل، عقاید و انگیزه‌ها استفاده می‌شود. براساس آنچه استالین (۲۰۱۳ ق) می‌گوید تحقیقات کیفی از طریق ادغام مستندسازی، مشاهده و مصاحبه عملیاتی می‌شوند و متغیرها را در یک بستر طبیعی در نظر می‌گیرند. به همین دلیل، تحقیقات کیفی غالباً ذهنی هستند و یافته‌ها در قالب نوشتاری برخلاف عددی جمع‌آوری می‌شوند. این بدان معنی است که داده‌های جمع‌آوری‌شده از یک بخش از تحقیقات کیفی معمولاً نمی‌توانند

با استفاده از تکنیک‌های آماری به روش کمی قابل تجزیه و تحلیل باشند زیرا ممکن است بین یافته‌های مختلف جمع‌آوری شده مشترکی وجود نداشته باشد. به درستی می‌توان گفت که هر گوینده در هنگام خطاب قرار دادن مخاطب خود دو انتخاب مساوی دارد. اولین انتخاب ایشان این است که عمل تهدید و جبهه مخاطب را صادر کند یا خودداری کند؛ یعنی این که او می‌تواند مجبه مخاطب را تهدید کند یا از این کار منصرف شود. اگر عمل را انجام ندهد که از نظر براون و لوینسون تهدیدی صورت نمی‌گیرد و این دو محقق به نمودار خود راه‌کاری اضافه نکردند. در ادامه، اگر عمل از طرف مخاطب انجام شود، دوباره، گوینده یا عمل تهدید را مستقیم یا غیرمستقیم انجام می‌دهد. اگر غیرمستقیم باشد آن‌ها شاخه دیگری نمی‌افزوند ولی اگر مستقیم باشد این عمل مستقیم متعارف (قاطعانه) و یا غیرمستقیم نامتعارف (غیرقاطعانه) خواهد بود. راهبرد قاطعانه نیز می‌تواند مؤدبانه مثبت باشد یا منفی. آن‌ها برای هر کدام از راهبردهای مؤدبانه مثبت یا منفی نیز راه‌کارهای فرعی‌ای در نظر گرفته‌اند که در ادامه می‌آوریم. براون و لوینسون ده نوع راهبرد مؤدبانه منفی و مثبت پیشنهاد داده‌اند که در تحقیق کنونی مورد استفاده قرار می‌گیرند:

- معمولاً غیرمستقیم باشید؛
- سؤال بپرسید یا از عبارات ملایم استفاده کنید؛
- بدبین باشید؛
- تحمیل را به حداقل برسانید؛
- احترام کنید؛
- عذرخواهی کنید؛
- از ضمایر غیرشخصی من و ما استفاده کنید؛
- FTA را به‌عنوان یک قاعده کلی بیان کنید؛
- مبتداسازی کنید (۱۹۸۷ق، ۱۳۱).
- راهبردهای مؤدبانه مثبت معرفی شده توسط براون و لوینسون نیز به در پایین آورده می‌شوند:
- به مخاطب توجه و او را دریابید؛
- اغراق کنید؛
- به مخاطب علاقه نشان دهید؛
- از نشان‌گرهای هویت درون‌گروهی استفاده کنید؛
- به دنبال توافق باشید؛
- از اختلاف‌نظر بپرهیزید؛
- به دنبال ایجاد و افزایش مشترکات باشید؛
- شوخی کنید؛
- پیشنهاد و قول دهید؛

• خوش‌بین باشید.

در توضیح مخالفت‌ها، هر کدام از سوپر راهبردها، یعنی انجام دهید یا انجام ندهید، مستقیم یا غیرمستقیم و در نهایت مؤدبانه مثبت یا منفی به‌کار می‌روند. در ادامه توجیه مخالفت‌ها از منظر نظریه ادب، راهبردهای مثبت و منفی تازه ذکر شده استفاده می‌شوند.

۸. روش تحلیل داده‌ها

در بخش قبلی، یعنی نحوه جمع‌آوری، جدول‌بندی، اعمال مدل‌های تحلیل گفتمان مؤدبانه و تشخیص راه‌کارها مشخص خواهند شد. از آنجاکه سؤالات تحقیق به دنبال جوابی مشخص هستند، علاوه بر تحلیل کیفی داده‌ها، از مقیاس‌های کمی در سایه مقیاس‌های توصیفی و کیفی نیز استفاده خواهد شد. از دو روش آماری فراوانی و درصد برای تعیین میزان راه‌کارهای ادب منفی و مثبت و استفاده خواهد شد. نتایج پس از تحلیل کمی و کیفی توسط همکاران محقق بررسی و میزان خطاها برطرف می‌گردند. در نهایت، نتایج برای ارائه در فصل چهارم تحقیق به صورت نمونه‌های برجسته، جدول حاوی داده‌ها و نمودار درمی‌آیند. در فصل چهارم، یعنی پس از گنجاندن نتایج، نتایج بحث می‌شوند و به سؤالات تحقیق جواب داده می‌شود.

۹. نشانگرهای مخالفت در گفتمان قرآن

در بررسی آیات سوره‌های منتخب قرآن، محقق به وجود نشانگرهای مخالفت زیر پی برده است. در واقع این مفاهیم یا عبارات متضمن بار مخالفت بوده‌اند. به هر حال، انکار کردن، سؤال کردن، کرگوشی زدن، نیرنگ کردن، تحریک کردن، امر کردن، طفره رفتن، ابراز عدم توانایی، ابراز شگفتی، ابراز شک و تردید، تهمت و افتراء، مبارزه طلبی، اندرز دادن، مسخره کردن، اعتراض کردن، تحقیر کردن، دلیل آوردن و قدرت طلبی نشانگرهای مخالفت در سوره‌های منتخب یعنی هود، عنکبوت، بقره، نوح و ابراهیم بوده‌اند.

۴.۲ آیات حاوی مخالفت

وَإِئْتِي كُلَّمَا دَعَوْتَهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزی انگشتانشان را در گوش‌هایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند (۷)

در این آیه یعنی آیه ۷ سوره نوح، حضرت نوح به مخالفت قومش اشاره می‌کند که از دعوت او سرباز زدند و بر نافرمانی خود از دعوت او اصرار ورزیدند. در واقع آن‌ها با دعوت ایشان مخالفت کردند و این مخالفت به‌طور ضمنی از این آیه قابل برداشت است. نوع ادب بکار رفته در این آیه ادب منفی است و نوع ادب منفی هم بدبین بودن می‌باشد؛ زیرا آن‌ها از این دعوت خوش‌بین نیستند و آن را نمی‌پذیرند.

وَمَكْرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ﴿٢٢﴾

و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند (۲۲)

در آیه کنونی یعنی آیه ۲۲ سوره نوح، حضرت نوح چنین می‌فرمایند که قومش در پذیرش دعوت او به هر نیرنگی دست زدند. قرآن این نوع رفتار را مکر می‌خواند و از آن به نیرنگی بزرگ یاد می‌کند. بررسی این آیه در چارچوب سیستم ادب کنونی نشان می‌دهد که این آیه حاوی ادب منفی از نوع بدین بودن است.

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

و گفتند زنه‌ار خدایان خود را رها مکنید و نه و د را واگذارید و نه سواع و نه ی غوث و نه ی عوق و نه ن سر را (۲۳)
آیه کنونی، آیه شریف ۲۳ سوره نوح می‌باشد. در این آیه قوم نوح به همدیگر توصیه می‌کنند که مبادا ما خدایان خود را رها کنیم و به خدای نوح ایمان بیاوریم. از منظر سیستم ادب براون و لوینسون، چنین برمی‌آید که این ادب حاوی ادب منفی از نوع بدبین بودن به نوع دعوت نوح است. این بدین معنی است که وجهه حضرت نوح در مقابله با آن‌ها تهدید می‌شود چون آن‌ها به وضوح راه خود را ادامه می‌دهند و به دعوت نوح بی‌اعتنایی می‌کنند. در سیستم ادب براون و لوینسون، بی‌اعتنایی بروزی ندارد و نزدیک‌ترین تفسیر زبان‌شناختی آن بدبینی است.

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَعُهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۖ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾

گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می‌گویی نمی‌فهمیم و به‌راستی تو را در [مقایسه با] خود، ناتوان و ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره‌ات نبودند، بی‌تردید سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی. (۹۱)

این آیه، آیه ۹۱ سوره هود و متضمن مخالفت است. در این آیه آنچه قابل‌برداشت است این است که قوم شعیب در برابر دعوت ایشان به سوی خدا به او هشدار مجازات می‌دهند که اگر دست از این نوع رفتار برندارد مجازات خواهد شد و حفظ شرایط کنونی فقط به دلیل احترام به او به دلیل وابستگی قبیله‌ای است. به‌هرحال، نوع ادب به‌کار رفته منفی است و راه‌کار ادب منفی نیز احترام‌کردن است. ادای احترام نوعی ادبی منفی است که منجر به تهدید وجهه هم‌تعاملی‌ها می‌شود.

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ ۖ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِي شَيْخًا ۖ أَن هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

[همسر ابراهیم] گفت: ای وای بر من! آیا فرزند آورم، درحالی‌که من پیرزنم و این شوهر من است که در سن سالخوردگی است؟ یقیناً این چیزی بسیار شگفت است! (۷۲)

در این آیه از سوره هود، همسر حضرت ابراهیم درحالی‌که هم او و هم همسرش پیر و ناتوان هستند، فرشته‌ها از آن‌ها درخواست فرزندآوری می‌دهند. ایشان این درخواست را رد می‌کند. درواقع ردکردن او نوعی مخالفت در قرآن است و از منظر نظریه ادب، ادب منفی از نوع سؤال به‌شمار می‌آید.

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا ۖ أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿٦٢﴾

گفتند: ای صالح! پیش‌ازاین در میان ما [به‌عنوان انسانی عاقل و خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، بازمی‌داری؟ و ما بی‌تردید در [درستی و صحت] تعالیمی که به آن دعوتمان می‌کنی در شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم]. ﴿٦٢﴾

در سوره مبارک هود، آیه ۶۲ دعوت قوم صالح با پافشاری بر آئین اجداد خود با پذیرش تعالیم صالح موافقت نمی‌کنند. آن‌ها با ابراز شک و بدبینی به تعالیم صالح به زندگی با اصول خود ادامه می‌دهند. آنچه از این آیه برمی‌آید ادب منفی این قوم است که بر طبق سیستم براون و لوینسون نوع آن بدبینی و بی‌احترامی است.

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۖ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ۖ فَلَا تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۖ إِنِّي أَعْطِكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾

خدا فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [اداری] کرداری ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه، همانا من تو را اندرز می‌دهم که مبادا از ناآگاهان باشی. ﴿٤٦﴾

در آیه ۴۶ سوره مبارک هود، خداوند با درخواست حضرت نوح مبنی بر نجات فرزندش از بلایا مخالفت می‌کند و می‌فرماید که او از اهل خانواده شما نیست چون او فرزندی ناصالح است و مرتکب اعمال ناصالح شده است. خداوند ضمن مخالفت از حضرت نوح می‌خواهد که تو نسبت به آنچه من آگاهی دارم آگاهی نداری. مخالفت خداوند در این آیه نشانگر ادب منفی است. نوع ادب منفی درخواست خداوند از حضرت نوح مبنی بر پس گرفتن درخواست حضرت نوح است.

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ ۗ قَالَ أَنْ تَسْخَرُوا مِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾

و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می‌کردند، او را به مسخره می‌گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می‌کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان‌گونه که ما را مسخره می‌کنید، مسخره خواهیم کرد. ﴿٣٨﴾.

از آنجاکه واضح است، آیه فوق آیه سی و هشتم سوره مبارکه هود است. در این آیه هنگامی که نوح پیامبر به ساختن کشتی خود مشغول بود، ناباورانه به تمسخر او پرداختند. حضرت نوح نیز در پاسخ آن‌ها عرضه داشته است که پس از اتمام ساخت کشتی، دین باوران سوار بر کشتی و شماها دچار طوفان خواهید شد و آن موقع ما مورد تمسخر واقع خواهید شد. آنچه ارزش بررسی در تحقیق کنونی دارد، تمسخر حضرت نوح توسط مردم است. تمسخر از آنجاکه مؤلفه‌ای از بدبینی است ادب منفی بشمار می‌رود که در آن وجهه حضرت تهدید می‌شد.

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا أَنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾

گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راست‌گویانی آنچه را از عذاب [به ما وعده می‌دهی، برایمان بیاور. (۳۲)

آیه فوق به‌عنوان سی دومین آیه سوره هود، برای بررسی ادبی در این تحقیق انتخاب شده است. در این آیه، قوم نوح در برابر ایشان مقاومت می‌کنند و به جدال و ستیزه می‌پردازند. چنین رفتارهایی ناشی از باور نداشتن گفتمان حضرت نوح در دعوت آن‌ها به راه خدا است. آن‌ها، آنچه در این مسلم است، از حضرت نوح درخواست نشانه و معجزه هستند. در سیستم ادب براون و لوینسون، درخواست منجر به تهدید وجهه گوینده یا شنونده می‌شود. به‌رحال، درخواست نوعی ادب منفی است.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۖ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۗ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾

آیا خبر [پندآموز] کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟ [خبر] قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند که جز خدا از آنان آگاه نیست، [همه آنان اقوامی بودند که] پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان دست‌هایشان را [به‌عنوان اعتراض، استهزا، تحقیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران] در دهان‌هایشان بردند و گفتند: مسلماً ما به آن رسالتی که شما به آن فرستاده‌شده آید، کافریم و نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنید، به‌شدت در شک و تردیدیم! (۹).

در آیه ۹ سوره ابراهیم از قرآن، خداوند به سابقه طولانی دین ناباورانه اشاره می‌کند که آن‌ها هر دلیلی را دریافت کردند، هر روشنگری را دیدند و هر معجزه‌ای را به چشم خود دیدند ولی بازهم ابراز کفری کردند و به ابقا در تردید خود ادامه دادند. در واقع در این آیه، آن‌ها به راه و روش پیامبران ایمان نداشتند و به تمسخر و اعتراض به آن پرداختند. این نوع رفتار در بدبینی و بی‌احترامی آن‌ها خلاصه می‌شود. بدبینی و فقدان احترام، از مظاهر ادب منفی هستند.

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِئَةُ اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ۗ قَالُوا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَنْ مَا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاؤَنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١٠﴾

پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، شکی هست؟ او شما را دعوت [به ایمان] می‌کند تا همه گناهانتان را ببامرزد و شما را تا زمان معین [عمرتان] مهلت می‌دهد. پاسخ دادند: شما بشرهایی مانند ما هستید که می‌خواهید ما را از معبودهایی که پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید؛ پس [شما] دلیل روشنی [بر اثبات رسالت خود که موردپسند ما باشد] بیاورید. (۱۰).

در سوره ابراهیم آیه ۱۰، مشرکان و کافران دعوت پیامبران به‌سوی خدا، آمرزش گناهان آن‌ها، طول عمر و قبولی دعا‌های آن‌ها را رد می‌کنند به این دلیل که آن‌ها دلایل آن‌ها را می‌طلبند و یا آن‌ها را قبول ندارند. آن‌ها اصرار داشتند

که برای اثبات رسالت خود و تحریک ما برای رهاسازی ادیان اجدادمان بایستی توانایی بروز دلایل روشن داشته باشند. درواقع از منظر تئوری ادب براون و لوینسون، درخواست مشرکان ادب منفی و از نوع بدبینی و درخواست است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

آیا [با دیده عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی‌منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگرم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند [او] گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. او برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کردند، یکی را آزاد و دیگری را کشت. [ابراهیم] برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن [گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبهور شد؛ و خدا گروه ستم گر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی‌کند. (۲۵۸).

آیه شریفه فوق، آیه ۲۵۸ سوره مبارکه بقره است که برای تحلیل ادب انتخاب شده است. همان‌طور که ترجمه آیه نشان می‌دهد حضرت ابراهیم توسط درباریان و پادشاه نمرود مورد سرزنش و تمسخر قرار می‌گیرد. نمرودیان پیام‌های ابراهیم پیامبر را مغالطه می‌خواندند و از پذیرش آن‌ها خودداری می‌کردند. به دنبال این رفتارهای نمرود، خداوند که او را به پادشاهی رسانده بود او را خوار کرد. در این آیه خداوند برای اثبات حقارت او، نامش را در این آیه ذکر نمی‌کند. در این آیه حضرت ابراهیم برای اثبات ادعای خود و رفع لجاجت آن‌ها را به مبارزه طلبی دعوت می‌کند. آنچه از این برمی‌آید ادب منفی به کار رفته در آن است که از رفتار حضرت ابراهیم برمی‌آید؛ آنجا که او نمرودیان را مورد سؤال و درخواست قرار می‌دهد و عدم توانایی آن‌ها را یادآور می‌شود. درواقع نوع ادب منفی به کار رفته در این آیه بدبینی حضرت ابراهیم از توانایی و قابلیت نمرودیان در رفع لجاجت آن‌هاست.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۗ قَالُوا أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ ۗ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۗ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

و پیامبرشان به آنان گفت: بی‌تردید خدا طالوت را برای شما به زمامداری برانگیخت. گفتند: [شگفتا!] چگونه او را بر ما حکومت باشد و حال آن‌که ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او وسعت و فراخی مالی داده نشده [پس ما کجا و زمامداری انسانی تهیدست کجا؟!]. [پیامبرشان] گفت: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده؛ و خدا زمامدارش را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست. (۲۴۷)

آیه فوق از سوره مبارکه بقره گرفته شده است. در این آیه شریفه، نوع پیامبری و ماهیت رسالت او توسط قومش مورد بدبینی و عدم مقبولیت قرار گرفته است. آن‌ها درواقع باور داشتند که چگونه ممکن است شخصی فقیر و عادی به چنین مقامی برسد و این برای آن‌ها قابل قبول نبوده است. در محیط تحقیق کنونی، این نوع برخورد آن‌ها ادب منفی هست

و نوع ادب منفی سؤال پرسیدن است. سؤال پرسیدن در سیستم ادب براون و لوینسون به تحقیر، تمسخر و کاهش اهمیت یک امر می‌پردازد. در این آیه وجهه حضرت طالوت و همچنین نوع دعوت خداوند مورد تهدید قرار می‌گیرد.

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین‌که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان [به‌وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (۲)

در آیه ۲ سوره عنکبوت، خداوند می‌فرماید که صرف گفتن ایمان آوردن کافی نیست و کسانی که وارد این مرحله می‌شوند لازم است مورد آزمایش قرار گیرند. به‌صورت غیرمستقیم خداوند ماهیت ایمان آن‌ها را مورد سؤال قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که آمادگی لازم را جهت سنت‌های الهی داشته باشند. درواقع آنچه قابل‌برداشت است این است که این نوع گفتمان خداوند ادب منفی را نشان می‌دهد که در آن وجهه ایمان آورندگان موردشک و تردید است و هنوز به مرحله تثبیت نرسیده است. نوع ادب بکار رفته، سؤال پرسیدن و درخواست است که در سیستم ادب براون و لوینسون از آن‌ها به‌عنوان ادب منفی یاد می‌شود.

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ ۚ مِنْ قَبْلُ ۗ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ ﴿۴۸﴾

پس هنگامی که حق [چون قرآن و پیامبر] از سوی ما برای آنان آمد [به‌جای آنکه بپذیرند] گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او ندادند؟ آیا پیش‌ازاین به آنچه به موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم! (۴۸)

آیه فوق مربوط به سوره مبارک قصص است که دران قوم حضرت موسی اعتراض می‌ورزند و بهانه‌جویی می‌کنند و واقعیت کتاب‌های مقدس را به سؤال می‌گیرند. درواقع نوع ادب تشخیص داده‌شده در این آیه شریفه، ادب منفی است. نوع ادب منفی، از آنجاکه از ترجمه آیه برمی‌آید سؤال پرسیدن و بدبینی است. سؤال پرسیدن درواقع در سیستم ادب براون و لوینسون منجر به تهدید وجهه مخاطب می‌شود.

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۹﴾

بگو: [بنا بر ادعای شما چنانچه تورات و قرآن از جانب خدا نیست] اگر راست می‌گویید کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت‌کننده‌تر از این دو باشد تا آن را پیروی کنم. (۴۹)

آیه کنونی مربوط به سوره مبارک قصص است که برای تحلیل ادب به‌کار رفته انتخاب‌شده است. خداوند در این آیه با درخواست مشرکان مبنی بر سحر و جادو بودن قرآن مخالفت می‌کند و می‌فرماید که در اثبات سحر و جادو بودن این کتاب کتابی مشابه ارائه کنند. به‌هرحال، نوع ادب منفی بکار رفته ادب منفی است و خداوند با استفاده از درخواست، تحمیل را به‌عنوان یک قاعده یا تعهد عمومی اجتماعی بیان می‌کند.

بر اساس تحلیل محتوای آیات فوق حاوی مخالفت از سوره‌های مبارک هود، عنکبوت، ابراهیم، هود، بقره و قصص بر اساس سیستم ادب مثبت و منفی بر اوان و لوینسون (۱۹۸۷ ق)، ثابت شد که مخالفت‌های به کار رفته در این آیات متضمن ادب منفی بوده است. انواع ادب منفی تشخیص داده شده عبارت بودند از: سؤال پرسیدن، بدبینی، احترام کردن، کاهش تحمیل و غیرمستقیم صحبت کردن. در کنار اعمال حداکثری ادب منفی و انواع آن، ادب مثبت نیز یک نمونه بروز داشته است و آن توجه به خواسته‌ها، نیازها و خصوصیات بارز اخلاقی بود.

۱۰. بحث

فراوانی و درصد نوع ادب شامل منفی یا مثبت و زیر استراتژی‌های آن‌ها به دست آمده و در این بخش ارائه شده است. علاوه بر این، فراوانی‌ها و درصدهای دسته‌های مختلف نشانگر اختلاف نظر ارائه شده است. تعداد کل آیه‌های دارای اختلاف ۲۵۶ مورد بود. از این تعداد اختلاف، ۲۵۵ مورد ادب منفی و ۱ مورد ادب مثبت بود.

جدول ۱: آمار ادب مثبت و منفی

ادب مثبت		ادب منفی	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	۰.۳۹٪	۲۵۵	۹۹.۶۰٪

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، ۲۵۶ اختلاف نظر در قرآن یافت شده است که از این تعداد ۲۵۵ مورد (۹۹/۶۰ درصد) شامل ادب منفی و یک مورد (۰.۳۹ درصد) شامل ادب مثبت است.

جدول ۲: آمار راه کارهای ادب منفی

راه کارها	فراوانی‌ها	درصدها
غیرمستقیم باشید	۹	۳.۵۲
سؤال بپرسید و از عبارات مبهم استفاده کنید	۶۳	۲۴.۷۰
بدبین باشید	۹۸	۳۸.۴۳
تحمیل را به حداقل برسانید	۲۹	۱۱.۳۷
احترام بگذارید	۱۹	۷.۴۵
عذرخواهی کنید	۰	۰

از ضمائر شخصی استفاده کنید	۲۷	۱۰.۵۸
مبتداسازی کنید	۱۰	۳.۹۲
عمل تهدید وجهه را به عنوان یک قاعده کلی بیان کنید	۰	۰

جدول ۲، آمار استراتژی‌های ادب منفی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است، همه استراتژی‌ها به جز بیان عمل تهدید وجهه به عنوان یک قانون کلی و عذرخواهی تحقق داشتند. بیشترین استراتژی ادب منفی، بدبینی است که ۹۸ بار (۳۸.۴۳٪) رخ داده است. استراتژی مهم ادب منفی بعدی که در سوره‌های قرآن تحقق یافت، سؤال پرسیدن و استفاده از عبارات مبهم بود، که ۶۳ بار (۳۸.۴۳٪) رخ داد. سومین ادب منفی در قرآن به حداقل رساندن تحمیل است که ۲۹ بار (۱۱.۳۷٪) تجلی داشته است. سایر استراتژی‌های ادب منفی احترام گذاشتن ۱۹ بار (۷/۴۵ درصد)، استفاده از ضمائر غیرشخصی ۲۷ بار (۱۰/۵۸ درصد)، مبتداسازی ۱۰ بار (۳/۹۲ درصد) و غیرمستقیم ۹ بار (۵۲/۳٪) بودند.

جدول ۳: آمار راه کارهای ادب مثبت

راه کارها	فراوانی‌ها	درصدها
به مخاطب توجه کنید و او را دریابید	۰	۰٪
اغراق	۰	۰٪
به مخاطب علاقه نشان دهید	۰	۰٪
از نشانگرهای هویت درون گروهی استفاده کنید	۱	۰.۳۹٪
دنبال توافق باشید	۰	۰٪
از اختلاف بپرهیزید	۰	۰٪
به دنبال نقاط مشترک باشید	۰	۰٪
شوخی کنید و جک بگویید	۰	۰٪
پیشنهاد و قول دهید	۰	۰٪
خوش‌بین باشید	۰	۰٪

جدول ۳ فرکانسها و درصدهای استراتژیهای ادب مثبت را نشان می‌دهد. تنها استراتژی مثبت که اتفاق افتاد، استفاده از نشانگرهای هویت درون گروهی در برخورد با اختلاف نظرهای قرآن بود و فقط ۱ (۰.۳/۹٪) بروز داشته است.

جدول ۴. آمار نشانگرهای اختلاف نظر در قرآن

راه کارها	فراوانیها	درصدها
انکار کردن	۱۹	۷.۴۲٪
تهمت زدن	۴	۱.۵۶٪
فریب دادن	۸	۳.۱۲٪
تحریک کردن	۱۰	۳.۹۰٪
فرمان دادن	۲	۰.۷۸٪
طفره رفتن	۹	۳.۵۱٪
ناتوانی خود را نشان دادن	۱۵	۵.۵۸٪
ابراز تعجب کردن	۲	۰.۷۸٪
ابراز شک کردن	۲۸	۱۰.۹۳٪
سؤال پرسیدن	۶۳	۲۴.۶۰
نصیحت کردن	۸	۳.۱۲٪
مسخره کردن	۱۸	۷.۰۳٪
اعتراض کردن	۱۹	۷.۴۲٪
تحقیر کردن	۱۵	۵.۵۸٪
استدلال کردن	۳۶	۱۴.۴٪

جدول ۴ آمار نشانگرهای اختلاف نظر قرآنی را نشان می‌دهد. این نشانگرها مفاهیمی بودند که نشانگر انواع مختلف اختلاف نظر بودند. در میان همه دسته‌ها، سؤال پرسیدن، ۶۳ مورد اختلاف نظر (۲۴/۶۰ درصد) را نشان داد. بعد استدلال کردن ۳۶ مورد (۱۴.۴٪) اختلاف نظر را در کل سوره‌های قرآن نشان داد. سومین گروه نشانگر اختلاف نظر ابراز تردید بود که ۲۸ مورد (۱۰/۳۹٪) اختلاف نظر را نشان داد. چهارمین و پنجمین نشانگر اختلاف نظر، انکار و اعتراض بودند که ۱۹

(۷.۴۲٪) و ۱۹ (۷.۴۲٪) اختلاف نظر را نشان دادند. ششمین مفهوم نشان دهنده، اختلاف نظر مسخره کردن بود که ۱۸ (۳.۳٪) اختلاف نظر را نشان می‌داد. مفاهیم نشانگر اختلاف نظر هفتم و هشتم، ابراز ناتوانی و تحقیر بودند که به‌طور مشابه ۱۵ (۵.۵۸٪) و ۱۵ (۵.۵۸٪) را بروز دادند. نهمین مقوله نشانگر اختلاف نظر، تحریک کردن، ۱۰ بار یا (۳.۹۰٪) اتفاق افتاد. سایر عناوین نشانگر اختلاف نظر طفره رفتن، فریب دادن، توصیه کردن، ابراز تعجب کردن و امر کردن بود که ۹ بار (۳.۵۱٪)، ۸ بار (۳.۸۱٪)، ۸ بار (۳.۸۱٪)، ۴ بار (۱.۵۶٪) و ۲ بار (۰.۷۸٪) اتفاق افتادند.

براساس تحلیل محتوی آیه‌ها و سوره‌های حاوی اختلاف نظر از منظر سیستم ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷)، ثابت شد که اختلاف نظرهای یافت شده در همه سوره‌های قرآنی دربردارنده ادب منفی بودند. مقوله‌های ادب منفی عبارت بودند از سؤال پرسیدن، بدبین بودن، بی‌احترامی کردن، افزایش تحمیل، غیرمستقیم صحبت کردن. علاوه بر اعمال حداکثری ادب منفی و راه کارهای آن، ادب مثبت تنها یک مورد بروز داشته است که آن استفاده از نشانگرهای هویت درون گروهی بود.

۱۱. گفتمان‌های قرآنی در ساختار مساجد اسلامی

با گسترش دین اسلام در ایران و دیگر نقاط جهان، فرهنگ‌های ملل مختلف در هم آمیخته گشتند و ضمن تأثیرات متقابل در یکدیگر، فرهنگ و هنر اسلامی را بنیاد نهادند. از دیرباز تاکنون بناهای مذهبی یکی از اساسی‌ترین عناصر شکل دهنده شهرهای اسلامی بوده و مسجد به‌عنوان شاخص‌ترین عنصر معماری، هویت شهر اسلامی را تعریف می‌کند. باتوجه به اهمیت، این بنا جایگاه ویژه‌ای را در شهر عهده‌دار می‌شود. مکتب و اندیشه اسلامی حامل پیام بندگی در محضر خالق هستی است. کشف حقیقت که در انسان نهادینه شده است، بستر کمال‌گرایی انسان را مهیا می‌کند. طرح‌مایه کمال‌گرایی را در هنر عبودیت می‌توان جست‌وجو کرد و به حق هنر اسلامی ملجئی پاک‌تر و نمایشگاهی امن‌تر از مسجد نداشته است. کتیبه‌ها یکی از بارزترین عناصر نمادین در معماری اسلامی است و تلفیق آن با رنگ و تزئینات دارای هماهنگی با روح و جان انسان بوده و همین مسئله باعث شده تا فضایی آرام و دلنشین در مساجد به‌وجود آید. آنچه مسلم است اینست که شخص در فضای مسجد به‌عنوان یک بیننده صرف نیست بلکه با معنا و انعکاسات معنوی آیات قرآنی و ادعیه موجود در کتیبه‌ها مرتبط می‌گردد. بهره‌مندی از ویژگی‌های معنایی برای طراحی معماری مسجد در پیام‌رسانی توحیدی مؤثر است و بستر مناسبی را برای ادراک مخاطب و تبلیغ اندیشه معنوی در ایجاد شهر اسلامی مهیا می‌سازد (پورهمایون و همکاران، ۱۳۹۲: ۱).

مسجد به‌عنوان یک مکان عبادی-سیاسی، موضوعی است که قرآن با نگرشی کامل و دیدگاهی جامع بدان آن پرداخته است. نوع عبارت، تأکید و میزان پرداختن به هر موضوعی، بیانگر اهمیت و جایگاه آن در قرآن کریم است. یکی از مهم‌ترین ویژگی در مساجد هم گونه‌های معماری مذهبی بوده است. به‌گونه‌ای که بخش مهمی از آثار ماندگار معماری جهان را فضاهای آرامگاهی و عبادتگاهی تشکیل می‌دهد. معماری مساجد به‌عنوان فضاهای عبادتگاهی مخصوص دین اسلام، مهم‌ترین نمود معماری اسلامی محسوب می‌شود که در پهنه گسترده جغرافیای سرزمین‌های اسلامی از تنوع

و گونه‌گونی خاصی از نظر نحوه طراحی و چگونگی برخورد با اقلیم خاص آن مناطق برخوردار است. نمونه‌ها و گونه‌های متنوعی از مساجد با کتیبه‌های قرآنی متنوع در دوره‌های مختلف تاریخی و نیز در مناطق مختلف اقلیمی-جغرافیایی قابل مشاهده و بررسی است (ساک، ۱۴۰۱: ۴۶۸). برای مثال، متن عمده کتیبه‌های ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان مذهبی است. بیشترین تعداد کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان در دوره صفویه الحاق شده است و بعد از آن به ترتیب دوره‌های قاجار، آل مظفر، ایلخانی و سلجوقی دارای بیشترین تعداد کتیبه‌های خطی قرآنی هستند. در بین ده ورودی و هفده محراب مسجد جامع اصفهان پانزده مورد دارای کتیبه قرآنی بوده است. به نظر می‌رسد شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره در انتخاب آیات برای نگارش کتیبه‌های ورودی‌ها و محراب‌های ذکر شده، تأثیر قابل توجهی داشته است؛ به طوری که در زمان‌های آشفتگی اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی، آیات قرآنی انتخاب شده برای کتیبه‌های محراب‌ها و ورودی‌های مسجد جامع اصفهان به نوعی اشاره به اتفاقات خاص آن دوران داشته است و زمانی که به نوعی آرامش نسبی سیاسی و اجتماعی برقرار بوده مضمون آیات انتخابی در ورودی‌ها اشاره به مسائلی در باب توحید و یگانگی خداوند ایمان و اعتقاد به معاد، نبوت و بعثت پیامبر و در نهایت آیاتی که در باب اهمیت مساجد آورده شده است. همچنین، مضمون آیات محراب‌ها اشاره به وقایع جامعه مسلمانان از جمله تغییر قبله مسلمانان، بعثت پیامبر و رهبری توحید داشته است (قاسمی سیجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶). با این تفاسیر به نظر می‌رسد بیشتر سهم آیات و گفتمان‌های قرآنی در محراب‌ها و نمای بیرونی ساختار مساجد اسلامی و در کتیبه‌های موجود در آن‌ها متمرکز است.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه هدف تحقیق بررسی ادب در گفتمان مخالفتی در سوره‌های قرآن کریم بوده است، بررسی آیات از سوره‌های حاوی مخالفت از منظر نظریه ادب براون و لونیسون نشان داد که مخالفت‌های زیادی در سطح‌های مختلف از جمله از طرف خداوند، پیامبران، همسران و خانواده آن‌ها و مشرکان صورت گرفته است. آنچه جالب بوده است این بود که نشان داده شود هنگامی که در گفتمان فوق طبیعی قرآن مخالفتی صورت می‌گیرد، براساس نظریه فعلی ادب، آن نوع مخالفت در چه مقوله‌ای جای می‌گیرد. به علاوه، اثبات مقوله خاص و منتسب به هر یکی از گروه‌های بالا چه دلایلی می‌تواند داشته باشد. به هر حال، بررسی آیات فوق نشان داد که به جز در یک مورد خاص، بقیه مخالفت‌ها مربوط به ادب منفی بوده‌اند. بیشتر این که نوع ادب منفی آن دسته از مخالفت‌ها هم سؤال پرسیدن، بدبینی، احترام کردن، کاهش تحمیل و غیرمستقیم صحبت کردن بودند. در واقع، جایی که ادب منفی صورت می‌گیرد، آنچه حائز اهمیت است که برجسته شود وجود تهدید وجهه است. در همین آیات، دین ناباورانه در برابر دعوت پیامبرانی چون ابراهیم، هود، نوح، صالح، لوط و طالوت به بهانه‌های مختلفی ابراز مخالفت کردند. از آنجاکه دعوت پیامبران برنامه‌ای برای ریشه‌کن کردن افکار و رسوم کهنه آن زمان بود و سطح فرهنگی مردم آن زمان پایین بود، آن نوع دعوت مورد اقبال واقع نمی‌شد.

نکته مهم‌تر این است که آنچه بیشتر مردم آن زمان را وادار به مخالفت می‌کرد این بود که پیامبرانی که برخاسته بودند، از میان مردم عادی و فقیر تعیین شده بودند. به‌علاوه، یک‌بارگی بعثت یک شخص به‌عنوان پیامبر در یک مکان خاص قابل‌باور و تأمل نبود. مردم آن زمان و به همین ترتیب مردم کنونی به دلیل اینکه خداوند را نمی‌توانند ببینند و معجزات را نیز سحر و جادو می‌پندارند، از پذیرش آنچه ممکن است واقعیت داشته باشد سرباز می‌زنند. در دنیای کنونی سحر و جادو فراوان یافت می‌شود و وجود نشانه‌هایی به‌عنوان معجزه هم توسط بعضی از مردم مشابه سحر و جادو تلقی می‌شود. در قرآن به‌دفعات به گردش شب و روز و نشانه‌های طبیعی برای دین ناباورانه اشاره می‌شود، ولی با همین وجود هم آن‌ها، این نوع نشانه‌ها را اثرات وضعی و طبیعی می‌دانند که در جهان طبیعت خودبه‌خود صورت می‌گیرند.

در ادبیات کنونی ادب و مخالفت، به‌طور خلاصه، استدلال می‌شود که حتی اگر هیچ تحمیلی در عمل گفتاری خاص وجود نداشته باشد، اگر اختلاف قدرت یا فاصله اجتماعی زیاد باشد، در نتیجه درجه تهدید وجهه بالا خواهد بود (هاف، ۲۰۰۶ ق؛ سارنی، ۲۰۰۲ ق؛ فکودا و اساتو، ۲۰۰۴ ق). هاف (۲۰۰۶ ق) نوشته است که ادب منفی ناشی از نگرانی در مورد خودمختاری اعمال شخص است. به‌علاوه، تورنبارو (۲۰۰۲ ق) باور داشته است که ادب منفی و اقدام به تهدید وجهه ممکن است به دلیل عدم قدرت نهادی باشد. ادب منفی نیاز شنونده به آزادی عمل و آزادی از تحمیل در تصمیم‌گیری خود را برطرف می‌کند. این امر به‌عنوان جبران وجهه منفی نیز شناخته می‌شود و این را می‌توان با بدبین بودن به حداقل رساندن تحمیل، یا احترام گذاشتن نشان داد.

نتایج این تحقیق مشابه نتایج تحقیق الحمیدی، پرنانتو و جاتمیکا (۲۰۱۶ ق) هستند. آن‌ها در تحقیق خود سخنان پیامبر محمد صلی‌الله علیه و آله را در کتاب حدیث بخاری هنگام گفت‌وگو با افرادی که الگوهای متفاوتی از او داشتند، بررسی می‌کند. آن‌ها یافتند که از میان صحبت‌های پیامبر با غیرمسلمانان و برعکس، بیشتر آن‌ها حاوی ادب منفی بودند. آن‌ها نشان دادند که ادب منفی برای حفظ وجهه منفی استفاده می‌شود که برای روابط اجتماعی بین‌گوبنده و شنونده مورد استفاده قرار گرفته است. بیشتر این که نتایج این تحقیق در راستای نتایج تحقیق جیوادگیتان، قبانچی و غضنفری (۲۰۲۰ ق) هستند. آن‌ها سوره کهف و سوره یوسف را از منظر نظریه براون ولوینسون (۱۹۸۷ ق) و لیچ (۱۹۸۳ ق) بررسی کردند. هدف آن‌ها این بود که از طریق یک مطالعه کیفی مؤلفه‌ها و ماکسیم‌های ادب مثبت و منفی را نشان دهند. در نهایت آن‌ها با بررسی کل آیات سوره‌ها یافتند که ادب منفی در سوره‌ها بر ادب مثبت برتری داشته است. نتایج تحقیق کنونی با مطالعه الخطیب (۲۰۱۲ ق) همسو هستند. الخطیب به بررسی جامعه‌شناختی ادب در قرآن کریم پرداخته است. براساس نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷ ق)، او نشان داد که راه‌کارهای ادب مستقیم، منفی و مثبت در قرآن استفاده شدند. به‌علاوه، اینکه راه‌کار غیرمستقیم بروزی نداشته است. راه‌کار مستقیم بیشترین کاربرد، مثبت بعد از آن و منفی کم‌ترین بروز را داشته‌اند. او نشان داده است از آنجاکه امر کردن گفتمان مؤدبانه‌ای نیست، آن در قرآن به‌کرات استفاده شده است. در تحقیق مهم دیگری که با تحقیق کنونی همسان است، حسن (۲۰۱۶ ق) گفت‌وگوهای بین خداوند و پیامبر را تحلیل ادب کرده است. با اتخاذ روش‌های تحلیلی و توصیفی، او نشان داده

است که همه چهار راه‌کار ادب مستقیم، غیرمستقیم، منفی و مثبت عملکردهایی داشتند. بیشتر اینکه راه‌کار مستقیم در هنگام پاسخ دادن توسط پیامبران بیشترین نقش را داشته است.

آنچه بین همه تحقیقات ذکرشده مشترک است، این واقعیت را نمایان می‌کند که در قرآن شخصیت‌های مختلفی به ایفای نقش می‌پردازند. هر گروه یا شخص در قرآن به طریقی سهامدار نوعی واقعیت است و براساس الهام از آن واقعیت به بروز عقاید و دیدگاه‌های خود می‌پردازد. از میان جنبه‌های متعدد قرآن، تاکنون بلاخص در تحقیقات مشابه فوق تعدادی بررسی شدند. آنچه در تحقیق کنونی به‌عنوان یک خاصیت ویژه بین سهامداران قرآنی بررسی نشده بود مخالفت بود. در این تحقیق نتایج بررسی سوره‌های مختلف نشان دادند که مخالفت عمدتاً منبع ادب منفی است.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- براون، پنه لویه. (۲۰۱۵). ادب و زبان: دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی و رفتاری. اکسفورد: الزویر.
- براون، پنه لویه و لوینسون، استفان سی (۱۹۸۷). ادب: برخی از موارد کلی در استفاده از زبان. کمبریج: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
- بوسفیلد، درک و میریام ا. لوشر. (۲۰۰۸). بی‌ادبی در زبان: بررسی تعامل آن با قدرت در تئوری و عمل. برلین: والتر دو گرویتز.
- حسن، اسرار نورالدین. (۲۰۱۶). ادب در گفت‌وگوهای میان خدا و پیامبرانش در قرآن کریم. رساله دکتری دانشگاه علم و صنعت سودان.
- عاصی، محمد. (۲۰۱۱). زبان‌شناسی پیکره‌ای: پردازش گرامر با رایانه: تهران: سمت.
- کالپر، جاناتان. (۲۰۰۸). تأملاتی در مورد بی‌ادبی، کار رابطه‌ای و قدرت. برلین: د گرویتز موتون.
- گافمن، اروینگ. (۱۹۶۷). «آیین بین‌المللی: مقالاتی در مورد رفتار رودررو. نیویورک»: نیویورک: دابل دی انکور بوکز.
- گریس، هربرت پی. (۱۹۷۵). منطق و گفتگو. اعمال گفتاری. لیدن: بریل.
- لیچ، گوفری. (۱۹۸۳). اصول کاربردشناسی. لندن: لانگمن.
- لیو، سی. (۲۰۰۴). استراتژی‌های عمل‌گرا و روابط قدرت در اختلاف‌نظر: فرهنگ چینی در آموزش عالی. کالیفرنیا: انتشارات جهانی.

مقالات

- انگوری، جو و لوچر، مریم. (۲۰۱۲ ق). «نظریه‌پردازی اختلاف». مجله کاربردشناسی، شماره ۱۲، صص ۱۵۴۹-۱۵۵۳.
- اورتمن، کاترین و استفانی دیپر. (۲۰۱۹). «تنوع بین انواع مختلف گفتمان: باسواد در مقابل شفاهی». مجموعه مقالات کارگاه ششم NLP برای زب آن‌ها و گویش‌های مشابه. صص ۶۴-۷۹.
- باورصاد، سمیرا؛ صالحی‌پور، عباس؛ اسلامی، راسخ و سیمین، شهلا. (۲۰۱۵). «مطالعه راهبردهای اختلاف‌نظر در مورد پیشنهادات مورد استفاده زبان آموزان دختر و پسر ایرانی». نامه‌های بین‌المللی علوم اجتماعی و بشری، شماره چهل نهم، صص ۳۰-۴۲.
- برهانی‌نژاد، محدثه؛ رستمی‌نصب، عباسعلی؛ علوی، حمیدرضا و صیف‌الدینی، رستم. (۲۰۱۹). «توضیح موقعیت طبیعی زنان و مردان از نظر تعاملات آن‌ها براساس آیات آفرینش در قرآن کریم». جامعه‌شناسی، شماره ۱۵، صص ۹-۳۱.

- پرمستی، پوتو دیوی مرلیناودا. (۲۰۲۰). «اقدامات گفتاری مستقیم، تهدید وجهه برای سالمندان و ادب در صحبت‌های کارگران اندونزیایی». مجله بین‌المللی زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان، جلد یکم، شماره ۲، صص ۷۱-۵۹.
- پورهمایون، عبدالرضا؛ طباطبایی‌پور، فاطمه سادات و نصری، مسعود. (۱۳۹۲). «مسجد جلوه‌گاه هنر اسلامی». سومین همایش ملی معای داخلی و دکوراسیون.
- جخار، الطاف علی، شیخ، فهیم الدین و احمد، فاروق. (۲۰۲۰). «مقایسه بین گفتمان گفتاری و نوشتاری و دلالت آن در آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم/خارجی». جلد یازدهم، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۷۵.
- چانگ، وی لین ملودی و هاف، مایکل. (۲۰۱۱). «خجالت استراتژیک و تهدید وجهه در تعاملات تجاری». مجله کاربردشناسی، شماره ۱۲، صص ۲۹۴۸-۲۹۶۳.
- الخطیب، محمود ع. (۲۰۱۲). «ادب در قرآن کریم: دیدگاه جامعه‌شناسی زبانی و عمل‌گرا». کاربردشناسی بین فرهنگی، شماره ۴، صص ۴۷۹-۵۰۹.
- دهقان نیری، مرضیه؛ سلطانی مسعود و مقدسی‌نیا، مهدی. (۲۰۱۷). «ادب در گفتمان قرآن: گفت‌وگوهای میان خدا و موسی در سوره اعراف. مجله مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی». شماره ۴، صص ۲۳-۱.
- ریس میلر، جانی. (۲۰۰۰). «قدرت، شدت و زمینه در اختلاف‌نظر». مجله کاربردشناسی، جلد سی دوم، شماره ۸، صص ۱۰۸۷-۱۱۱۱.
- ساک، نانسی. (۱۴۰۱). «نقش و تأثیر آیات قرآن در معماری مساجد (با تأکید بر کتیبه‌های قرآنی مسجد جامع اصفهان». مطالعات هنر اسلامی، (۴۸)، ۱۹، صص ۴۶۸-۴۸۴.
- سیفیانو، ماریا. (۲۰۱۲). «اختلاف‌نظرها، وجهه و ادب». مجله کاربردشناسی، جلد چهل چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۵۶۴-۱۵۵۴.
- صادق قلی، حسین و نیرومند، معصومه. (۲۰۱۶). «نظریه‌های ادب با تمرکز بر نظریه براون و ادب لوینسون». مجله بین‌المللی تحقیقات آموزشی. جلد سوم، شماره ۲، صص ۳۹-۲۶.
- عبدالکریم امین، اراس. (۲۰۱۷). «بررسی اجمالی اهمیت تحلیل گفتمان در زبان». مجله بین‌المللی تحقیقات پیشرفته، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۱۳۳-۱۱۳۱.
- فوکادا، آتسوشی و آساتو، نوریکو. ۲۰۰۴ ق. «نظریه ادب جهانی: کاربرد در استفاده از افتخارات ژاپنی». مجله کاربردشناسی، جلد سی ششم، شماره ۱۱، صص ۱۹۹۱-۲۰۰۲.
- قاسمی سیجانی، مریم و همکاران. (۱۳۹۶). «تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان». پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۵، ش ۳، صص ۴۹-۶۵.

کاریتی، فرانسیس. (۲۰۲۱). «استراتژی‌های ادب». مجله علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. جلد سوم، شماره ۳، صص ۱-۱۱.

کالپر، جانانان. (۱۹۹۶). «به سوی آناتومی بی ادبی». مجله کاربردشناسی، شماره ۳، صص ۳۶۷-۳۴۹.

کدار، دانیل و جولیان، هاوس. (۲۰۲۱). تجدید نظر در نشانگرهای ادب. مجله تحقیقات ادب. ۲۰۲۱ ش. ۷۹-۱۰۹.
گوپتا، سواتی، مرلین ا. واکا و دانیلا ام رومانی. ۲۰۰۷ ق. چقدر بی ادب هستید؟ ارزیابی ادب و تأثیر در تعامل. کنفرانس بین‌المللی محاسبات تأثیرگذار و تعامل هوشمند. اسپرینگر، برلین، هایدلبرگ.

مولانی، لوئیز. (۲۰۰۴). «جنسیت، ادب و نقش قدرت نهادی: شوخ طبعی به‌عنوان یک تاکتیک برای جلب رضایت در جلسات تجاری محل کار»، جلد بیست سوم، شماره ۱-۲، صص ۳۷-۱۳.

المومنی، کواکیب؛ فتحی، مقدادی و ایمان، ربابه. (۲۰۱۸). «راهبردهای ادب و حضور زنان در قرآن کریم». کاربردشناسی بین‌فرهنگی، شماره ۳، صص ۴۳۵-۴۰۹.

مونیتل، پیتر و ویلیام ترنبول. (۱۹۹۸). «ساختار مکالمه رو در روی و وجهه در مشاجره». مجله کاربردشناسی، جلد بیست نهم، شماره ۳، صص ۲۵۶-۲۲۵.

واگنر، لیزا. سی. (۲۰۰۴). «استراتژی‌های ادب مثبت و منفی: عذرخواهی در جامعه گفتار کوثرناواکا، مکزیک». مطالعات ارتباطات بین‌فرهنگی. جلد سیزدهم، صص ۲۸-۱۹.

ویلکی، لیسا. (۲۰۰۶). «ادب و وجهه: مسائل جاری». مجله اس کی وای زبانشناسی، جلد نوزدهم، شماره ۱، صص ۳۳۲-۳۳۲.

همراکولوا، گلاندوم. (۲۰۲۰). «تئوری ادب در زبان. مجله علمی-روش شناختی روشنگری ذهنی». جلد بیستم، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۵۱.

هوانگ، یونگیانگ. (۲۰۰۸). «اصل ادب در ارتباطات بین فرهنگی. مجله آموزش زبان انگلیسی»، جلد یکم، شماره ۱، صص ۹۶-۱۰۱.

هیو، مایکل. (۲۰۱۳). «ادب، رفتار اجتماعی و دستور مشارکت. مجله کاربردشناسی». جلد پنجاه هشتم، صص ۷۲-۵۲.

منابع لاتین

AbdalkarimAmin, A. (۲۰۱۷). An overview study of the significance of discourse analysis in language. *International Journal of Advanced Research*, ۵ (۴). ۱۱۳۱-۱۱۳۳.

- Al Momani, K. Migdadi, F., & Rabab'a, E. (۲۰۱۸). Politeness strategies and the representation of women in the Holy Qur'an. *Intercultural Pragmatics*, ۱۵(۳), ۴۰۹-۴۳۵.
- Alhamidi, W. Z., & Purnanto, D. (۲۰۱۹). The indirectness of directive speech by Prophet Muhammad in The Hadith of Bukhari. *IJLLT*, ۲(۷), ۱۹۱-۱۹۹.
- Al-Khatib, M. A. (۲۰۱۲). Politeness in the Holy Quran: A sociolinguistic and pragmatic perspective. *Intercultural Pragmatics*, ۹(۴), ۴۷۹-۵۰۹.
- Angouri, J., & Locher, M. A. (۲۰۱۲). Theorizing disagreement. *Journal of Pragmatics*, ۴۴(۱۲), ۱۵۴۹-۱۵۵۳.
- Asi, M. (۲۰۱۱). *Corpus linguistics: Processing grammar with computer*: Tehran: SAMT.
- Bousfield, D. (۲۰۰۸). Impoliteness in the struggle for power. *Impoliteness in Language. Studies on Its Interplay with Power in Theory and Practice*. Berlin: Mouton de Gruyter, ۱۲۷-۵۳.
- Brown, P. (۲۰۱۵). Politeness and language. In *The International Encyclopedia of the Social and Behavioural Sciences (IESBS)*: Elsevier.
- Chang, W. L. M., & Haugh, M. (۲۰۱۱). Strategic embarrassment and face threatening in business interactions. *Journal of Pragmatics*, ۴۳(۱۲), ۲۹۴۸-۲۹۶۳.
- Culpeper, J. (۱۹۹۶). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of pragmatics*, ۲۵(۳), ۳۴۹-۳۶۷.
- Goffman, E. (۱۹۶۷). *International ritual. Essays on face-to-face behavior*. New York: Double Day Anchor Books.
- Grice, H. P. (۱۹۷۵). Logic and conversation. In *Speech acts* (pp. ۴۱-۵۸). Brill.
- Hamrakulova, G. (۲۰۲۰). Politeness theory in language. *Mental Enlightenment Scientific-Methodological Journal*, ۲۰(۲), ۱۵۱-۱۵۷.
- Haugh, M. (۲۰۱۳). Im/politeness, social practice and the participation order. *Journal of Pragmatics*, ۵۸, ۵۲-۷۲.
- Huang, Y. (۲۰۰۸). Politeness Principle in Cross-Culture Communication. *English Language Teaching*, ۱(۱), ۹۶-۱۰۱.
- Jakhar, A. A., Shaikh, F., & Ahmed, F. (۲۰۲۰). Comparison between spoken and written discourse and its implication in teaching English as second/foreign language. *Agathos*, ۱۱(۱), ۱۶۳-۱۷۵.
- Kádár, D. Z., & House, J. (۲۰۲۱). 'Politeness Markers' Revisited-A Contrastive Pragmatic Perspective. *Journal of Politeness Research*, ۱۷(۱), ۷۹-۱۰۹.

- Kariithi, F. (۲۰۲۱). Politeness Strategies. *Journal of Humanities and Social Sciences Studies*, ۳(۳), ۰۱-۱۱.
- Leech, L. (۱۹۸۳). *Principles of pragmatics*. London and New York: Longman.
- Liu, S. (۲۰۰۴). *Pragmatic strategies and power relations in disagreement: Chinese culture in higher education*. Universal-Publishers.
- Mishra, P. (۲۰۲۰). Effective Communication Skills: Investigating the Politeness Strategies Used by Women as Workplace Discourse. *Journal of Critical Reviews*, ۷(۱۳), ۱۱۸۳-۱۱۸۷.
- Mullany, L. (۲۰۰۴). Gender, politeness and institutional power roles: Humour as a tactic to gain compliance in workplace business meetings. *Multilingua*, ۲۳(۱-۲), ۱۳-۳۷.
- Muntigl, P., & Turnbull, W. (۱۹۹۸). Conversational structure and facework in arguing. *Journal of pragmatics*, ۲۹(۳), ۲۲۵-۲۵۶.
- Ortmann, K., & Dipper, S. (۲۰۱۹, June). Variation between different discourse types: Literate vs. oral. In *Proceedings of the Sixth Workshop on NLP for Similar Languages, Varieties and Dialects* (pp. ۶۴-۷۹).
- Pramesti, P. D. M. Y. (۲۰۲۰). Direct speech acts, Face threatening towards the elderly and politeness in the speeches of Indonesian careworkers. *International Journal of Linguistics and Discourse Analytics*, ۱(۲), ۵۹-۷۱.
- Rees-Miller, J. (۲۰۰۰). Power, severity, and context in disagreement. *Journal of pragmatics*, ۳۲(۸), ۱۰۸۷-۱۱۱۱.
- Searle, J. R. (۱۹۷۵). *Indirect speech acts in Speech acts*. Brill.
- Sifianou, M. (۲۰۱۲). Disagreements, face and politeness. *Journal of pragmatics*, ۴۴(۱۲), ۱۵۵۴-۱۵۶۴.
- Sinclair, J. (۱۹۹۱). *Corpus, concordance, collocation*. Oxford University Press.
- Vilki, L. (۲۰۰۶). Politeness, face and facework: Current issues. *SKY Journal of Linguistics*, ۱۹(۱۰), ۳۲۲-۳۳۲.
- Wagner, L. C. (۲۰۱۵). Positive-and negative-politeness strategies: Apologizing in the speech community of Cuernavaca, Mexico. *Intercultural Communication Studies*, ۱۳, ۱۹-۲۸.
- Zhao, S. (۲۰۲۱). An Analysis of the Conversational Implicature of “Little Sheldon” from the Perspective of Violation of the Cooperative Principle. *Open Access Library Journal*, ۸(۰۱), ۱.